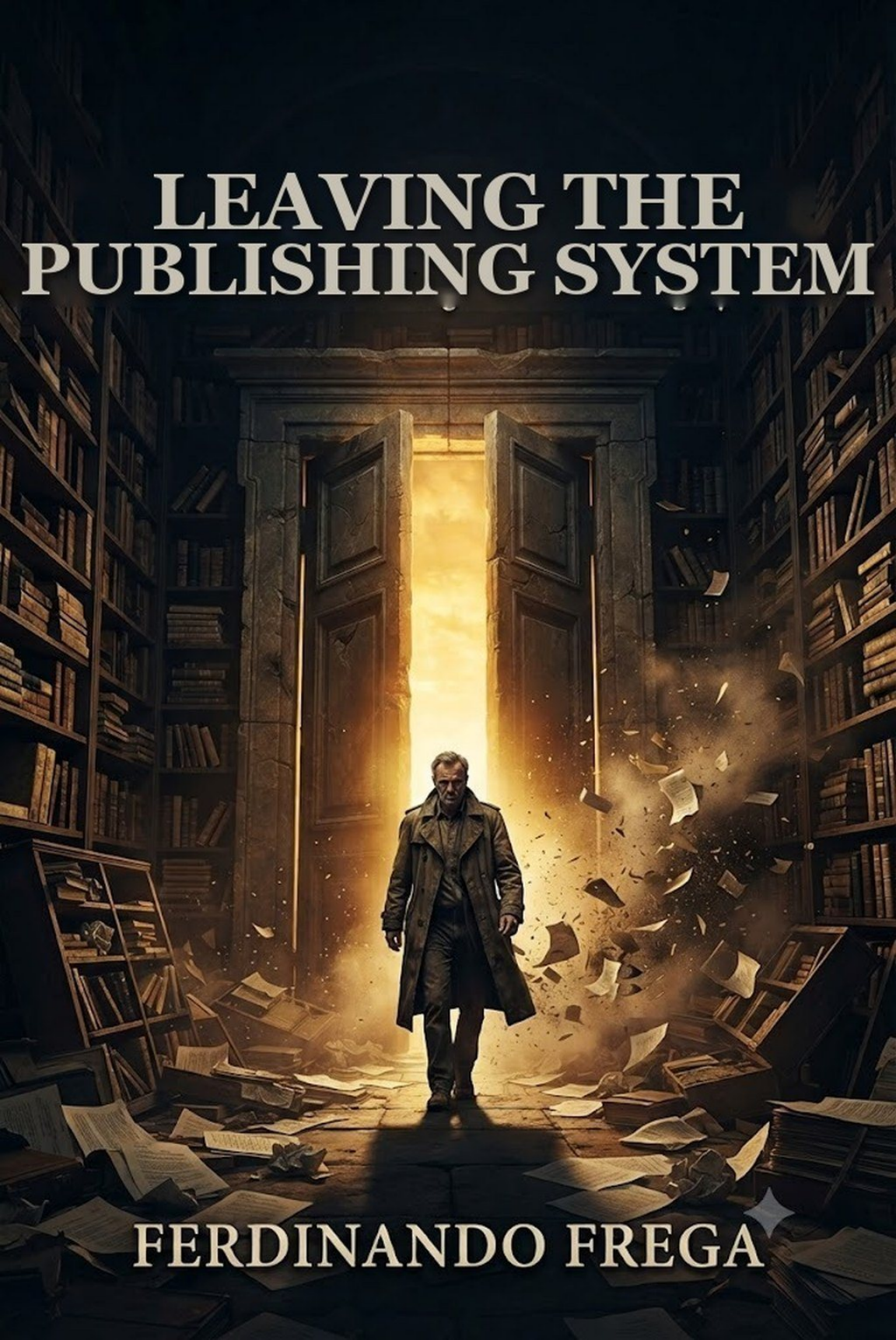
LEAVING THE PUBLISHING SYSTEM



FERDINANDO FREGA

خروج از نظام نشر

نهمین جلد از مجموعهٔ Roots & Memory: پرونده‌ای کوتاه دربارهٔ ترک کامل نظام نشر — دسترسی بی‌اجازه، توزیع رایگان، و انضباطِ تولید کردن بی‌آنکه منتظر بمانی کسی پیدایت کند.

شناسنامهٔ کتاب

Ferdinando Frega — Nando the Scribe — The Fifth Blade

پیشگام روایی «کدِ رفتاری». او پیرامون یک ایدهٔ واحد، زیست‌بومی نشر یک‌دلاری ساخت: مالیه مشکل پول ندارد. مشکل رفتار دارد.

ویرایش و گزینش در زیست‌بوم ONEDOLLAR-STORIES. معماری دیجیتال: NAPLES-POST · NOASPECTTIME · ONEDOLLAR-STORIES. نخستین انتشار در سال ۲۰۲۶. حروف‌چینی‌شده در صفحه‌آرایی‌ای تمیز و مدرن، بهینه برای خواندن دیجیتال. منتشرشده در ایالات متحده.

اعلامیهٔ حق نشر

© 2026 Ferdinando Frega / Frega Editore. منتشرشده با مجوز CC BY-NC-ND 4.0.

دسترسی رایگان

یادداشت ویراستار

این کتاب رایگان است. همچنان که همهٔ کتاب‌هایی که Ferdinando Frega نوشته است. نه به‌عنوان راهبرد. نه به‌عنوان حرکتی تبلیغاتی. نه به‌عنوان تصمیمی بازاری.

رایگان فقط به یک دلیل: ادبیات لذت است، و خواندن بها ندارد.

کلام نوشته‌شده هنوز تنها ابزاری است که می‌تواند ایده‌هایی را منتقل کند که به اندیشه‌هایی مستقل بدل می‌شوند — نه دست‌کاری، نه تبدیل مشتری، نه محصولاتی که برای مصرف طراحی شده‌اند.

وقتی این کتاب را تمام می‌کنی، آنچه در درونت می‌ماند فقط از آنِ توست. کسی آن را آنجا نگذاشته است. تو آن را بازشناختی. این تنها معامله‌ای است که این اثر می‌طلبد.

Ferdinandо Frega — Nando the Scribe، Naples-Post، ۲۰۲۶

نقد ویراستاری

این پروژه در پی خوانندگان سنتی نیست، بلکه کسانی را برمی‌گزیند که بتوانند ساختاری را بی‌انطباق و بی‌مصالحه تاب بیاورند. اینجا خواننده به آستانه بدل می‌شود — آستانه‌ای که فقط برای کسانی گشوده است که آماده‌اند بی‌آنکه آسایش یا امتیازی بجویند با متن درگیر شوند.

خواننده به‌مثابهٔ آستانه

خواننده چالشی برای حضور است، نه مشتری و نه دنبال‌کننده. فقط کسانی که مستقیم با متن روبه‌رو می‌شوند به آن راه می‌یابند؛ این دربارهٔ بقاست، نه نخبه‌گرایی. اثر با تاب‌آوری برگزیده می‌شود، نه با سلیقه.

نفی نظام نشر

این پروژه بهینه‌سازی برای جلب توجه، اهرم عاطفی، دیده‌شدن الگوریتمی و ساده‌سازی بازارمحور را رد می‌کند. دنبال مُد نمی‌دود، با منطق بازاریابی سازگار نمی‌شود و در پی جایی در ضرباهنگ‌های صنعت نیست. بیرون از کشش گرانشی نظام وجود دارد، بر محور خودش و با آهنگ خودش کار می‌کند.

خط میان خیر و شر

متن مرزی تیز می‌کشد: کسانی که می‌دانند می‌توانند آسیب بزنند و آگاهانه چنین نمی‌کنند، در برابر کسانی که پشت نمای نیکی پنهان می‌شوند تا از مسئولیت بگریزند.

نیکی حضور می‌طلبد و اغلب نادیده می‌ماند؛ شر سازگار می‌شود، خود را توجیه می‌کند و در جمع حل می‌شود. پروژه این عدم‌تقارن را بی‌اخلاق‌گرایی آشکار می‌کند، فقط با نام‌بردن از آن.

ترک نظام به‌مثابهٔ کنشی سنجیده

ترک نظام نشر دربارهٔ موضع‌گیری است، نه شورش. نظام هم‌رنگی را پاداش می‌دهد، پس کنار رفتن یعنی ساختن به‌طور مستقل، بی‌آنکه تأییدی بجویی. خودمختاری هزینه‌ای دارد که پروژه آن را با رضایت می‌پذیرد.

پیشگفتار

این کتاب آغاز نمی‌شود. موضعی را می‌گشاید.

«پروندهٔ خروج» نوشته نشد تا همه آن را بخوانند. این تحریک نیست — واقعیتی ساختاری است. هر نظام توزیع، طبقه‌بندی و پیشنهاددهی بر این فرض بنا شده که متن می‌خواهد پیدا شود. این متن نمی‌خواهد. خود را عرضه می‌کند و منتظر می‌ماند.

آنچه در پی می‌آید پرونده‌ای است دربارهٔ خروج — نه به‌عنوان شورش، نه به‌عنوان شکست، بلکه به‌عنوان موضع‌گیری‌ای سنجیده. هجده سال درون یکی از منضبط‌ترین نظام‌های شرکتی جهان پیش از هر چیز یک چیز را آموخت: هزینهٔ ماندن در ساختاری که اندازه‌ات نیست یک‌جا پرداخت نمی‌شود. آهسته پرداخت می‌شود، قسط به قسط، تا چیزی برای معامله باقی نماند.

نظام نشر هم فرقی ندارد. دقیقاً همان‌طور کار می‌کند که طراحی شده است. این متن بیرون از آن می‌سازد — بی‌اجازه، بی‌تأیید، بی‌عذرخواهی.

اگر ساختارِ اینجا در تو طنین بیندازد، از آنِ تو می‌شود. اگر نه، چیزی از دست نمی‌رود. ساختار می‌ماند.

Ferdinando Frega

دسترسی

این کتاب با دسترسی آزاد توزیع می‌شود. خریدی لازم نیست. ثبت‌نامی نیست. قیفِ تبدیلی نیست. حرکتِ دسترسی همان حرکتِ توزیع است — هر دو یک کنش‌اند.

هر جا بهای نمادین ۱ USD در سکوهای توزیع دیده شود، نشانگر آستانه است — نه معامله. نشان می‌دهد آنچه پشت آن است وزن دارد. هزینه مهم نیست. گذر مهم است.

این اثر بخشی از کتابخانهٔ Gillette Narrative است — بایگانی دیجیتال با دسترسی آزاد که بر دو مجرا بنا شده است: مجرای Gillette (روایت شرکتی و حرفه‌ای) و مجرای Narrative (آثار زندگی‌نامه‌ای و فلسفی).

GILLETTE: پروندهٔ خروج

دستورالعمل ترک نظام نشر

این متن در پی خواننده نیست. خواننده را غربال می‌کند.

کتابی نیست که برای قانع کردن، دلداری دادن یا سرگرم کردن طراحی شده باشد. یک نقطهٔ ورود است.

تو اینجا نیستی که قانع شوی. اینجایی تا تصمیم بگیری آیا می‌توانی درون ساختاری بایستی که به سوی تو خم نمی‌شود.

هیچ چیز اینجا با انتظار سازگار نمی‌شود. هیچ چیز اینجا تأیید نمی‌جوید. اگر آسایش می‌خواهی، این برای تو نیست. اگر تعلق می‌خواهی، این برای تو نیست. اگر تأیید می‌خواهی، این برای تو نیست.

دسترسی به هم‌سویی بستگی دارد، نه به مهربانی. یا ساختار را بازمی‌شناسی، یا نه. اقناعی در کار نیست.

این پروژه دنبال خوانندگان نمی‌دود. خود را عرضه می‌کند. کسانی که وارد می‌شوند، از آن رو وارد می‌شوند که تاب وزنش را دارند.

خواننده آستانه است

خواننده مشتری نیست. خواننده تماشاگر نیست. خواننده آستانه است.

آستانه کف نمی‌زند. آستانه چانه نمی‌زند. یا گشوده می‌شود یا بسته می‌ماند.

تو نمی‌خوانی تا موافقت کنی. می‌خوانی تا روبه‌رو شوی. اگر چیزی درونت تکان بخورد، متن کارش را کرده است. اگر هیچ چیز تکان نخورد، متن هرگز برای تو نبوده است.

این طرد نیست. دقت است. ساختاری که با همه سازگار شود نمی‌تواند ساختار بماند. ساختاری که منسجم بماند، برمی‌گزیند.

گزینش تکبر نیست. بقاست.

این یک انتشار نیست

این اثر به زیست‌بوم نشر سنتی تعلق ندارد. نه برای الگوریتم‌ها بهینه شده، نه برای جلب توجه طراحی شده، نه به اندازهٔ معیارهای ویراستاری دوخته شده است.

کارزار رونمایی در کار نیست. رقص تبلیغاتی در کار نیست. تأیید نهادی در کار نیست.

ساختار برای وجود داشتن اجازه نمی‌گیرد. متن‌ها وقتی آماده‌اند پدیدار می‌شوند. نه وقتی بازار آن‌ها را می‌طلبد. ضرباهنگ صنعت سرعت را تعیین نمی‌کند.

سکوت راهبرد نیست. سکوت شرط نیست.

اگر دنبال مُد هستی، اینجا پیدایش نمی‌کنی. اگر دنبال انسجامی، پیدایش می‌کنی.

آنچه این پروژه نمی‌پذیرد

این پروژه نمی‌پذیرد: بهینه‌سازی برای جلب توجه، ساده‌سازی برای دسترس‌پذیری، دست‌کاری عاطفی، آرایه‌پردازی فکری، وابستگی به الگوریتم.

تشویق را نمی‌پذیرد. شتاب را نمی‌پذیرد. منطق اقناع را نمی‌پذیرد.

این اثر وعدهٔ دگرگونی نمی‌دهد. وعدهٔ بهتر شدن نمی‌دهد. وعدهٔ تعلق نمی‌دهد. ساختار عرضه می‌کند.

ساختار با خواننده سازگار نمی‌شود. خواننده با ساختار هم‌سو می‌شود.

خط

لحظه‌ای هست که دیگر سردرگمی ممکن نیست.

در یک سو کسانی ایستاده‌اند که می‌دانند توان آسیب زدن دارند و برمی‌گزینند که بر پایهٔ آن عمل نکنند. در سوی دیگر کسانی ایستاده‌اند که خود را نیک می‌خوانند تا اصلاً مجبور به انتخاب نشوند.

این همان خط است.

نیکی خودبه‌خود نمی‌آید. حضور می‌طلبد. خویشتن‌داری می‌طلبد. از دست دادن می‌طلبد. نیکی به‌ندرت تشویق می‌شود. اغلب نادیده است. تصمیمی است که وقتی کسی نگاه نمی‌کند گرفته می‌شود.

در مقابل، شر بی‌آنکه فراخوانده شود به‌طور طبیعی سر برمی‌آورد. سازگار می‌شود. خود را توجیه می‌کند. در عادی‌بودن حل می‌شود. شر فریاد نمی‌زند. شر توضیح می‌دهد. می‌گوید: «الان وقتش نیست.» «این مسئولیت من نیست.» «کارها همین‌طور پیش می‌رود.»

شکست آموزش نمی‌دهد

مردم اغلب شکست را آرمانی می‌کنند. آن را پیشرفت جلوه داده‌اند. درس. گامی ضروری به سوی موفقیت.

اما شکست نمی‌آموزد. شکست آشکار می‌کند. آمادگی را آشکار می‌کند. توهم را آشکار می‌کند. فاصلهٔ میان برداشت و واقعیت را آشکار می‌کند.

درد خرد نمی‌زاید. تأمل می‌زاید. فقدان روشنی نمی‌زاید. ساختار می‌زاید.

می‌توانی هزار بار شکست بخوری و هیچ نیاموزی. می‌توانی یک بار موفق شوی و همه چیز را بفهمی.

شکست شریف نیست. شکست خنثی است. آنچه پس از آن می‌کنی تنها متغیر است.

خروج یک موضع است

ترک نظام کنشی شورشی نیست. یک موضع است.

نظام نشر خراب نیست. دقیقاً همان‌طور کار می‌کند که طراحی شده است. پیش‌بینی‌پذیری را پاداش می‌دهد. فرمان‌برداری را پاداش می‌دهد. هم‌سویی با روایت‌های موجود را پاداش می‌دهد. خودمختاری را پاداش نمی‌دهد.

اگر کاملاً سازگار شوی، شاید راهت بدهند. اگر دست‌نخورده بمانی، بیرون خواهی ماند.

مسئله دسترسی نیست. مسئله هزینه است. هر نظامی بهایی دارد. بیشتر نویسندگان آن را آهسته می‌پردازند. چنان آهسته که متوجه نمی‌شوند.

خروج ناپدید شدن نیست. خروج ساختن بی‌اجازه است. منتشر کردن بی‌تأیید. ایستادن بی‌تشویق.

بازار شاید نادیده‌ات بگیرد. الگوریتم‌ها شاید در اولویتت نگذارند. نهادها شاید به رسمیتت نشناسند. هیچ‌کدام از این‌ها معماری را تغییر نمی‌دهد.

یا درون ساختار آن‌ها می‌سازی یا بیرون از آن. هر دو مشروع‌اند. اما یکی نیستند.

آنچه این اثر عرضه می‌کند

این اثر با جهان نمی‌جنگد. نمی‌کوشد اصلاحش کند. چیزی ساده‌تر عرضه می‌کند.

ساختار. جایی که بر سر انسجام چانه زده نمی‌شود. جایی که واژه‌ها برای تأیید بهینه نمی‌شوند. جایی که سکوت هنوز ارزش دارد.

از تو نمی‌خواهند موافقت کنی. از تو نمی‌خواهند تعلق داشته باشی. دعوت می‌شوی که بیندیشی.

اگر ساختار در تو طنین بیندازد، از آنِ تو می‌شود. اگر نه، چیزی از دست نمی‌رود. ساختار می‌ماند.

پایان

دستورالعمل ترک نظام نشر

این کتابی نیست که در پی خواننده باشد. این را از نخستین سطر می‌گوید — و منظورش همین است.

آنچه Ferdinando Frega در «GILLETTE: پروندهٔ خروج» می‌سازد مانیفستی به معنای متعارف نیست. اعلامیه‌ای ساختاری است: متنی که به جای اقناع غربال می‌کند، به جای فریفتن برمی‌گزیند. در چشم‌انداز نشری که از کتاب‌های ساخته‌شده برای دلداری، تبدیل و نگه‌داشتن اشباع شده، این اثر وارونه عمل می‌کند. خود را عرضه می‌کند و منتظر می‌ماند.

معماری سنجیده است. هر بخش همچون آستانه‌ای عمل می‌کند — «خواننده آستانه است»، «آنچه این پروژه نمی‌پذیرد»، «خط»، «خروج یک موضع است» — و اثر انباشته‌شان استدلال نیست، فشار است. خواننده از میان یک نظریه راهنمایی نمی‌شود. خواننده درون ساختاری گذاشته می‌شود و به حال خود رها می‌شود تا دریابد آیا تاب وزن آن را دارد.

نثر دقیق است بی‌آنکه سرد باشد. Frega در واحدهای کوتاه و خبری می‌نویسد که مثل ضربه‌های تیغ روی هم انباشته می‌شوند — هر یک تمیز، هر یک قطعی. نه آرایهٔ بلاغی هست، نه اهرم عاطفی، نه تلاشی برای تعلق به هیچ سنت ادبی موجود. نفی، کامل است و از آغاز تا پایان یکدست.

«خط» بخشی است که از همه عمیق‌تر می‌بُرد. تمایز میان کسانی که می‌دانند توان آسیب زدن دارند و آگاهانه راه دیگری برمی‌گزینند، و کسانی که خود را نیک می‌خوانند تا اصلاً انتخاب نکنند — این فلسفه نیست. کالبدشناسی است. Frega معماری اخلاقی‌ای را نام می‌برد که بیشتر نوشته‌ها عمداً از آن می‌گریزند، و این کار را بی‌اخلاق‌گرایی، بی‌داوری و بی‌رحم انجام می‌دهد.

«شکست آموزش نمی‌دهد» براندازترین بخش است. در فرهنگی که شکست را آیین گذار قدسی کرده است، Frega این اسطوره را بی‌دلتنگی از هم می‌پاشد. شکست خنثی است. تأمل متغیر است. تمایز ساده است، ساختاری، و تقریباً ناممکن که بتوان با آن مخالفت کرد.

ضعف — اگر ناچار باید یافتش — همان قوت کتاب است: هیچ امتیازی نمی‌دهد. خوانندگانی که در پی جهت‌یابی، قوس‌های روایی یا گره‌گشایی‌اند، اینجا آن‌ها را نمی‌یابند. ساختار خم نمی‌شود. این انتخابی سنجیده است، نه غفلت. اما دامنهٔ کتاب را به کسانی محدود می‌کند که از پیش در جایگاه دریافتش ایستاده‌اند — که البته، دقیقاً همین منظور است.

«GILLETTE: پروندهٔ خروج» کمیاب‌ترین گونهٔ متن است: متنی که دقیقاً می‌داند چیست، نمی‌پذیرد چیز دیگری باشد، و بابت هیچ‌یک عذر نمی‌خواهد.

کسانی که ساختار را بازمی‌شناسند وارد خواهند شد. کسانی که نه، راهشان را خواهند رفت. هر دو پیامد پیش‌بینی شده بود.

نقد میز ویراستاری — Naples-Post، ۲۰۲۶

Ferdinando Frega